



شعر مستوره اردلان و پروین اعتصامی در آینهی ادب و عرفان

(PP 49 - 58)

سهیلا صلاحی مقدم*
* دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
s.salahimoghaddam@alzahra.ac.ir

بلاوکردنهوه : 2020/10/29

DOI: <https://doi.org/10.31972/jickpl19.04>

چکیده :

مستوره اردلان و پروین اعتصامی دو شاعر فارسی زبان در عرصه‌ی ادبیات می‌درخشند. اگرچه از مستوره سه قصیده به زبان کردی برجای مانده ولی غالب اشعارش به زبان فارسی است. هردو در خانواده‌ی فرهیخته‌ای بالیدند، مستوره در کنار همسر ادب‌دوست و پروین در کنار پدر ادیب و دانشمندش، گام به گام به سوی تعالی روحی و ادبی پیش رفتند و نتیجه‌ی آن دو دیوان شعر است که به یادگار مانده است. البته مستوره آثار دیگری نیز دارد، مانند: تاریخ الأکراد، رساله‌ی کوچک شرعیات به زبان فارسی. در بررسی اشعار این دو ستاره‌ی درخشان، تعهد دینی و نیایش‌های عرفانی به درگاه الهی و تلمیحات و اقتباسات متعدد از قرآن مجید قابل تأمل است.

کلیدواژه: مستوره اردلان، پروین اعتصامی، ادبیات مقایسه‌ای، ادب و عرفان، تعهد دینی.

ادبیات تطبیقی از شاخه‌های نقد ادبی است که از انعکاس و تأثیر ادبی ملتی در ادبیات ملت دیگر سخن می‌گوید. اما گاهی بین آثار ادبی ملتهای گوناگون شباهتها و مشترکاتی یافت می‌شود که این شباهتها حاصل شباهتها و مشترکات روحی و فکری انسانهاست، نه ثمره‌ی اخذ و اقتباس ادبی ملتها از یکدیگر که در حوزه‌ی ادبیات مقایسه‌ای می‌گنجد (صلاحی‌مقدم، 1386: مقدمه).

مشابهت‌های عمیق فکری و اعتقادی مستوره اردلان و پروین اعتصامی قابل تأمل است، که مورد بررسی قرار می‌گیرد و درباره‌ی موارد افتراق و اشتراکات آن بحث می‌شود.

البته مستوره اردلان نسبت به پروین اعتصامی از شهرت کمتری برخوردار است. مینورسکی می‌نویسد: "هنر شعر و شاعری در کردستان گسترش فراوان دارد و اگر ما کمتر به آن پی بردیم به خاطر کمبود تحقیق در زبان و ادبیات کردی است، نه ضعف مقام شعری شعرای کرد." (مینورسکی، 1379: 45)

پیشینه پژوهش

مقاله مستوره کردستانی، مهین بانوی شعر و هنر و عرفان، در پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم



انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره 7، پاییز 1389. از ابوالقاسم رادفر، که به بررسی زندگی مستوره پرداخته است. مقاله تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن ایرانی، در پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره 1، بهار 1388. از عباس قدیمی قیداری که ویژگی‌های تاریخ‌نگاری مستوره اردلان را بررسی کرده است. در مقاله-های همایش بزرگداشت مستوره اردلان در سال 2005 میلادی در شهر هولیر عراق نیز به این مهم پرداخته شده است. مقاله مضامین مشترک دینی در اشعار مستوره اردلان و عایشه تیمور از علی سلیمی، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد سنندج، سال سوم پاییز 1390.

درباره پروین اعتصامی مقالات زیادی نوشته شده است، از جمله: مقاله ستم‌ستیزی پروین اعتصامی از اسماعیل جدی، مجله ادبیات فارسی، بهار 1384، شماره 3. مقاله حکمت عملی از دیدگاه پروین اعتصامی از پارسا مستعلی مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، تابستان 1388، شماره 4. مقاله پروین اعتصامی در گذرگاه ادبیات تعلیمی از مهدی ممتحن، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، تابستان 1390، شماره 10. مقاله بن‌مایه‌های قصاید پروین اعتصامی از بتول فخر اسلام، مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، سال 1385، شماره 11 و 12. اما در مقایسه‌ی این دو شاعر هیچ مقاله‌ای نگاشته نشده است.

گذری بر زندگی مستوره اردلان (1220-1264 ه.ق)

"ماه شرف خانم، متخلص به مستوره، مهین بانوی پارسی‌سرای کردستان ایران، و یکی از بزرگترین شاعران کرد، در سنندج متولد شد. پدرش از رجال محترم عصر خود بود" (روحانی، 1382: 379). مستوره با خسرو خان ناکام والی منطقه‌ی اردلان ازدواج کرد، ولی همسرش خیلی زود دار فانی را وداع گفت و مستوره بعد از او هیچگاه ازدواج نکرد و در غم از دست دادن او، اشعار عم‌انگیزی سرود. "مستوره در عصری می‌زیست که زنان از حداقل سواد محروم بودند، ولی او با سعی و تلاش خود توانست معلومات خود را افزایش دهد، و در تاریخ‌نگاری، خطاطی، فقه، و شاعری، بدرخشد" (محمدالجباری، 1382: 54). مستوره در 1363 ه.ق بر اثر نابسامانی اوضاع سنندج، مجبور به ترک دیار شد و به همراهی عمویش رونق و پسرعمویش حسین قلی حاوی اردلان به سلیمانیه عراق رفت و "بعد از آن بعد از 44 سال زندگی در سال 1264 یا 1263 ه.ق در همین شهر دار فانی را وداع گفت" (هدایت، 1340: 5، 953). "پیکر او را به نجف انتقال دادند و دفن کردند" (سجادی، 1375: 746).

آثار و تألیفات مستوره:

1. تاریخ الأکراد (تاریخ اردلان) "مستوره با نگارش این کتاب به نخستین زن تاریخ‌نویس ایران بدل گردید" (قدیمی قیداری، 1388: 123) او در این اثر، سبکی ساده و در عین حال ادبی را برای گزارش رویدادهای تاریخی به کار گرفته است. روح لطیف و شاعرانه او در این گزارش‌ها درک می‌شود و ایران‌دوستی در بیان او آشکار است. مستوره کتاب تاریخ اردلان را از ابتدای حکومت اردلان تا سال 1250 ه.ق نوشته است. همچون ابوالفضل بیهقی، زیبایی کلام و رعایت اسلوب ادبی در نوشتن این کتاب تاریخ قابل تأمل است.



2. شرعیات: رساله‌ی کوچکی به زبان فارسی که مستوره آن را در بیان مسائل فقهی و بر اساس مذهب شافعی نوشته است. گفته شده است که " در آن زمان بسیاری از زنان سنندجی جهت رفع نیازهای شرعی و فقهی به مستوره مراجعه می‌کردند و این امر وی را بر آن داشت تا اقدام به تألیف کتابی در شرعیات نماید. او نخستین و تا همین سالهای اخیر تنها زنی بود که چنین کتابی را با رعایت بلاغت و فصاحت و با محتوای عالی در باب شرعیات نگاشته است" (امیدیان، 1388: 41).

3. دیوان اشعار: دیوان مستوره شامل بیست‌هزار بیت بوده که بسیاری از آن از بین رفته است و فقط قسمتی از اشعار وی در حدود دوهزار بیت در سال 1304 ه.ش به همت مرحوم حاج شیخ یحیی معرفت کردستانی (رئیس وقت معارف کردستان) به چاپ رسید (روحانی، 1382: 379، 1).

اشعار مستوره به فارسی است و در نهایت ظرافت و استحکام سروده شده است (سجادی، 1375: 746). البته سه قصیده به زبان کردی سورانی و نیز هورامی، در پایان دیوان وی دیده می‌شود که بیشتر در سوگ همسرش خسروخان است:

گرفتارم به نازی چاوه کانی مه سستی مه تتانت
بر پندارم به تیری سینه سووزی ئیشی موژبگانت
به قوربان، عاشقان ئه مرو هه مو و هاتونه پابووست
منیش هاتم بفر موو بمکوژن بمکه به قوربان

(اردلان، 2005: 311-312)

به ناز چشمان مست و فتنه انگیز تو گرفتار هستم
به تیر مژگانت که سینه را می‌سوزاند، امیدوارم
فدایت شوم! همه عاشقان به پابوس تو آمده اند من نیز آمده ام
دستور بده که مرا بکشند و قربانی تو نمایند.

پروین اعتصامی

مهست بانوی شعر ایران، فرزند یوسف اعتصامی از نویسندگان و مترجمان مشهور معاصر، در 25 اسفند 1285 ه.ش در تبریز متولد شد. در کودکی با پدر به تهران آمد و بقیه عمر کوتاه خود را در تهران گذراند. ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت، از آغاز متفکر و کم‌حرف بود. در مجلس بحث و درس از سایرین جلوتر بود. از کودکی، شروع به سرودن شعر کرد. در سال 1303 دوره‌ی مدرسه‌ی امریکایی تهران را با موفقیت به پایان رساند. در جشن فراغت از تحصیل خطابه‌ی "زن و تاریخ" را ایراد کرد. او هرگز به دنیا دل نبست و از مناسب دنیوی فراری بود و همتی بلند و طبعی والا داشت، "بطوری که وقتی از وزارت معارف ایران نشانه‌ی درجه‌ی 3 علمی را برای او فرستادند، پروین از قبول آن خودداری کرد و گفت: دیگرانی نیز بهتر از من هستند" (اعتصامی، مجموعه مقالات و قطعات، ص 6-7).



مدتی در دانشسرای عالی به شغل کتابداری مشغول بود. زندگی کوتاه زناشویی او با پسرعموی پدرش بر رنج‌های بیشمار او افزود بطوری که بیشتر به انزوا و گوشه‌گیری راغب شد (صفا، گنج سخن: 593).
 مرگ پدر تأثیر زیادی بر پروین می‌گذارد چرا که به او بسیار وابسته بود. او نه فقط پدر، که مربی، پشتیبان معلم و صمیمی‌ترین دوست او بود. قطعه‌ای در مرگ پدر سرود و بعد هم قصیده‌ای برای سنگ مزار خود سرود. او مدت زیادی بعد از مرگ پدر زنده نماند.
 او دانش و عفت را لازمه‌ی وجودی هر زن ایرانی می‌داند:

پستی نسوان ایران جمله از بی‌دانشی است
 مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
 زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست
 شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است
 به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
 تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است

(دیوان، ص 227)

پروین اسارت زن را در سبکسری و تجمل‌گرایی می‌بیند:
 زن سبکساری نبیند تا گران‌سنگ است و پاک
 پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
 جلوه‌ی صدپرنیان چون یک قبای ساده نیست
 عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود
 سادگی و پاکی و پرهیز از یک گوهرند
 گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود
 عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده است و بس
 جامه‌ی عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود

(همان)

نشو و نما در محیط علمی-ادبی

همسر مستوره، خسروخان، که پس از پدر خود امان الله خان به ولایت اردلان‌ها رسید " به مصاحبت شعرا و عرفا خیلی مایل بود و خود نیز عارف مسلک و غزل‌سرا و بی‌نهایت ظریف و زنده‌دل بوده است. ارباب هنر و اصحاب معرفت را محترم و گرامی داشته " (سنندجی، 1375: 202). "شعر نیکو گفتمی و حظ نستعلیق نیکو نوشتی (وقایع‌نگار کردستانی، 1364: 178). حتی رباعی زیر را به خسروخان نسبت داده اند (همان: 209):
 خسرو دلت از غم دو نیم است مترس
 ورجان برده‌ی بلا و بیم است مترس
 گر از سرو کار آخرت می‌ترسی
 آنجا سر و کارت با کریم است مترس

"مستوره اغلب با همسرش به مشاعره می‌پرداخته (روحانی، 1382: 379، 1). مسلماً ذوق هنری خسروخان در بارور شدن استعداد شعری و هنری مستوره تأثیر بسزایی داشته است.
 آشنایی مستوره با شاعران ایرانی و شعر پارسی مسلماً شعر او را پربارتر کرده است، بویژه شعر سعدی و حافظ تداعی می‌شود. در مورد



پروین اعتصامی نیز همانگونه که در شرح حالش گفته شد، وجود پدرش، یوسف اعتصام الملک، در استعداد ادبی و شعری پروین مشهود است.

تعهد دینی و اخلاقی

التزام دینی و اخلاقی در شعر مستوره موج می‌زند. بهره‌گیری شاعر از اقتباسات قرآنی و استفاده از شخصیت‌های دینی در شعر، نیایش‌ها و مناجات‌های عارفانه و مدح پیامبر و اهل بیت (ع)، افتخار به حجاب و عفت و التزام عملی، نشانه‌های آشکاری از روحیه‌ی والای اسلامی و رویکرد دین‌مدارانه‌ی مستوره است. مستوره و پروین شعر خود را در خدمت اهداف و آرمان‌های متعالی و انسانی قرار داده اند. تخلص مستوره، قابل تأمل است (به معنای در پوشش و عفت بودن). او به پوشش خود افتخار می‌کند و عفت خود را تا بدانجا ارزشمند می‌داند که او را به خیل فرشتگان آسمان نزدیک می‌کند و حتی او را بی‌نیاز از تاج و تخت سلیمان (ع) می‌گرداند.

من آن زلم که به ملک عفاف صدر گزینم
 ز خیل بردگیان نیست در زمانه قرینم
 به زیر مقنعه ما را سری است لایق افسر
 ولی چه سود که دوران نمود زار چینم
 مرا ز ملک سلیمان بسی است ننگ همیدون
 که هست کشور عفت همه به زیر نگینم
 به معشر نسوان مرا سپاس و حمد خدا را
 همی سزد که بگویم منم که فخر زمینم

(اردلان، 2005: 148)

مستوره دربرای جهان شرم و حیای خود را نمی‌فروشد:
 روش و شیوه‌ی عصمت بود این مستوره
 به متاع دو جهان شرم و حیا نفروشد

(همان: 70)

نیایش

در یک رباعی، مستوره به مناجات با خدای خود می‌پردازد و فضل او را می‌خواهد:

یا رب تو به فضل خویش دلشادم کن
 از قید بلا و محنت آزادم کن
 ای خالق بی‌نیاز رحمن و رحیم
 رحمی به فغان و آه و فریادم کن

(اردلان، 2005: 292)

و در جای دیگر به توحید و یگانگی خدا معترف است:
 غیر ایزد یکتا قبله‌ی سجودی کو؟
 جز خدای بی‌همتا و اجبالوجودی کو؟

(همان: 230)

در غزل‌های عرفانی او از این نوع نیایش‌ها و راز و نیازها دیده می‌شود:

تا کی ز غمت قرین افغان باشم
 تا چند ز دوری تو نالان باشم
 با قسمت عاشقان چنین است که من
 پیوسته ز فرقت تو سوزان باشم



(همان: 290)

معتترف به گناهان است، ولی فقط رو به سوی خدا دارد:
 رفتیم و پس از خود عمل خیر نهشتیم
 با آب گنه توشه‌ی عقبی بسرشتیم
 بس کار گناهی که در این مرحله کردیم
 بس خار معاصی که در این مرزعه کشتیم

*

بر تافتیم از همه عالم رخ نیاز
 حاجات خویش را به خدا وا گذاشتیم

در شعر پروین اعتصامی، نیایش با خدا نیز دیده می‌شود:
 عارفان کاین مدعا را یافتند
 گم شدند از خود خدا را یافتند
 من همی بینم جلال اندر جلال
 تو چه می‌بینی بجز وهم و خیال
 من همی بینم بهشت اندر بهشت
 تو چه می‌بینی به غیر از خاک و خشت
 من چه دانم کان طیب اندر کجاست
 می‌شناسم یک طیب آن هم خداست

اقتباسات لفظی از قرآن

بهره‌گیری مستوره از قرآن به صورت لفظی مشهود است و فضایی قرآنی و معنوی به شعر او بخشیده که بخاطر احساسات دینی و تربیت اسلامی این شاعر است:

غرض به قاعده‌ی کل من علیها فان
 سروش غیب به گوشش ندای مرگ چو داد

(اردلان، 2005: 246)

اقتباس از آیه "کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام" (الرحمن، 26-27)

آرد از وصفش بیانی جبرئیل
 مسجد اسس علی التقوی پیام

(اردلان، 2005: 250)

اقتباس از آیه "لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق أن یقوم فیه" (توبه، 108)

شهد وصلش چشانی و گویی
 و من الماء کل شیء حی

(اردلان، 2005: 250)

اقتباس از آیه "وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون" (انبیاء، 30)

چشم دل مستوره از سیر جمالش برندوزی
 صد رهن گویند اگر مانند موسی لن ترانی



(اردلان، 2005 : 167)

اقتباس از آیه " قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی " (اعراف، 143)

بهره‌گیری از شخصیت‌های دینی و قرآنی
 در شعر مستوره نام اهل بیت (ع) بویژه حضرت علی (ع) و فاطمه زهراء (س) بیشتر جلوه‌گر است:

در چشم تو توتیاست ما را
 خاکی که تو را بر آن گذار است
 خرم دل آنکه از ره صدق
 چون من به محبتت دچار است
 ابروی تو یا هلال یا قوس
 یا در کف شاه، ذوالفقار است
 شاهی که مدام جبرئیلش
 بر درگه یار پرده دار است
 ضرغام الحق علی که وصفش
 بیرون ز حساب و از شمار است
 هرکس که ز صدق بنده اش شد
 بر جمله شهنش افتخار است
 مستوره ز غم منال زیراک
 مولای تو شیر کردگار است

(اردلان، 2005 : 24)

و در جای دیگر می‌سراید:
 تا مرا مهر علی در دل و جان است، بود
 پیش چشمم دو جهان خوارتر از مشتی حرف
 از من این نکته چو بشنید به زار
 آهی از سینه برآورد همه سوزش و تف
 گفت مستوره کنون خرم و خندان می باش
 چون مدد جویی از آن شیر خدا، شاه نجف

(همان: 111)

مستوره در جایی دیگر، این بار نام حضرت فاطمه را می‌برد و او را
 رهبر و مرشد خود و فخر زمین و پاره‌ی تن رسول اکرم (ص) می‌داند:
 خیرالنساء فاطمه خاتون عالمین
 کش خاک پا به فرق بود تاج و افسرم
 فخر زمین، خدیوه‌ی دین بضعه‌ی رسول
 من سالک طریق یقین، اوست رهبرم
 مستوره! تن به عالم شاهی نمی‌دهم
 زیرا کمین کنیز بتول پیمبرم

(همان: 140)

درباره مادرش نیز این دعا را دارد:
 دارم امید که با فاطمه (س) محشور شود
 آن که این غم ز غمش بردل بریان دارم

(همان: 234)



از دیگر ویژگی‌های شعر پروین نیز، استفاده از شخصیت‌های دینی قرآنی است. برای مثال، تلمیح به داستان مور و سلیمان (ع) برای طرح مقام عرفانی "قناعت":

همچو پاکان گنج در کنج قناعت یافتن
 مور قانع بودن و ملک سلیمان داشتن

(دیوان: 70)

یا تلمیح به داستان حضرت ابراهیم و اسماعیل علیها السلام، برای طرح جانفشانی در طریق عشق:

مترس از جانفشانی گر طریق عشق می‌پویی
 چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی

(همان: 60)

اسماعیل (ع) با تمام خلوص و با فرط اشتیاق و محبت به پدر می‌گوید:
 "یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرين" (صافات، 102)
 در این ابیات، پروین به فطرت پاک بشر اشاره دارد و به آیهی کریمه:

"و اقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التي فطرالناس علیها"
 ترا پاک آفرید ایزد ز خود شرمت نمی‌آید
 که روزی پاک بودستی، کنون آلوده دامانی
 مخوان جز درس عرفان تا که از رفتار و گفتارت
 بدانند دیو که تو شاگرد این دبستانی
 تو را فرقان دبیرستان اخلاق و معالی هست
 چرا چون طفل کودن زین دبیرستان گریزانی

(همان: 60)

فرقان، نام دیگر قرآن است، پروین قرآن را دبیرستان اخلاق و مرکز تعلیم تمام کمالات بشری معرفی می‌کند. همان که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

"و علیکم بکتاب الله فانه حبل المتین و نورالمبین و الشفاء النافع" (خطبه 156)

از دیگر داستان‌های پیامبران می‌توان به اینان اشاره کرد:

- حضرت نوح (ع) (در سوره یونس و هود و نوح)
 چه شدی نیک چه پروات ز بد روزی
 چو شدی نوح چه اندیشه ات از طوفان
- حضرت ابراهیم و حضرت عیسی (ع)
 همچو عیسی بی‌پر و بی‌بال بر گردون شدن
 همچو ابراهیم در آتش گلستان داشتن
- (آیه "کونی یا نار برداً و سلاما علی ابراهیم" (انبیاء، 69).)
 پروین در داستان لطیف و عرفانی لطف حق به ماجرای نمرود اشاره دارد. البته آیه ای در این باره در قرآن مجید تصریح نشده ولی در کتب تاریخی به آن اشاره شده است (تاریخ گردیزی).
 حضرت موسی (ع).
 ماجرای حضرت موسی (ع) و گذشتن او از دریا و غرق شدن فرعون:
 بگذار بحر و ز فرعون هوامندیش
 دهر دریا و تو چون موسی عمران



(دیوان: 106)

اژدها شدن عصای حضرت موسی:
 حمله نیارد به تو ثعبان دهر
 تا چو کلیمی تو و دینت عصاست

(همان: 32)

اشعاری که به ید بیضای موسی (ع) اشاره دارد:
 هر رهنورد را نبود پای راه شوق
 هر دست دست موسی عمران نمی‌شود

(همان: 61)

او در قطعه ای، به تکلم موسی (ع) با خدا اشاره دارد: "و کلم
 الله موسی تکلیما" (نساء، 164)
 همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک
 گفتگوها با خدا در کوه و هامون داشتن

پروین، در بعضی ابیات کلمات قرآنی را به کار برده است:
 خون یتیم درکشی و خواهی

باغ بهشت و سایه‌ی طوبی را (همان: 81)

بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق

ببین چه بیهده تفسیر جاهدوا کردیم (331)

صاحب آن همه گفتار امروز

سائل فاتحه و یاسین است (441)

نتیجه‌گیری

مستوره اردلان و پروین اعتصامی به دلیل نگرش خاص ادبی و الهی، آثارشان در ژانر تعلیمی قرار می‌گیرد. شعار این دو حاوی موضوعات گوناگون است که از آن جمله نگاه دینی و قرآنی و عرفانی آنهاست که در این زمینه با هم اشتراک دارند.

تفاوت شعر پروین و مستوره این است که اشعار انتقادی پروین از نظری اجتماعی، بسیار بیشتر از مستوره است. گاه همچون مادری مهربان دغدغه فرزندان وطنش را دارد و گاهی ناله‌ی پیرزن خوشه‌چین را به گوش جامعه و مسئولین می‌رساند، که بی‌بضاعت است و بی‌پناه. یا در شعر نغمه‌ی رفوگر، زبان حال کارگر زحمتکش تهیدستاست. او زالوهای اجتماع را به دیو آز و خودپرستی تشبیه می‌کند که باید محو شوند. علاوه بر اشعار انتقادی، پند و اندرز نیز در شعر او فراوان دیده می‌شود. دعوت به کار و تلاش و نوید صبحی روشن در پس این تلاش‌های صادقانه.

مستوره نیز دغدغه‌ی اخلاقیات را دارد و سعی می‌کند با اشعار خود عشق به قرآن و دین اسلام را در جامعه افزونی بخشد.

منابع

- اردلان، مستوره (2005) دیوان اشعار، تصحیح ماجد مردوخ روحانی. چاپ اول، اربیل، انتشارات آراس
 اعتصامی، پروین (1372) دیوان با مقدمه عبدالعظیم قریب. تهران، نشر روایت
 اکبری، منوچهر (1386) مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی. تهران، خانه کتاب



حیرت سجادی، سید عبدالحمید (1375) شاعران کرد فارسی گوی. تهران، نشر احسان

دائره المعارف بزرگ اسلامی (1377) زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران، مؤسسه دائره المعارف بزرگ اسلامی

رادفرد، ابوالقاسم (1389) مستوره کردستانی، مهین بانوی شعر و ادب و عرفان. پژوهشنامه ی زبان و ادبیات فارسی، نشریه ی دانشکده ادبیات و

علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره 7

روحانی، (شیوا)، بابامردوخ (1382) تاریخ مشاهیر کرد، به کوشش محمدماجد روحانی. تهران، انتشارات سرش

زکی، محمدامین (؟؟؟) مشاهیر الكرد و کردستان اعداد رفیق صالح. السلیمانیه، منشورات نبکه، ژین

سلیمی، علی (1390) مضامین مشترک دینی در اشعار مستوره اردلان و عایشه تیمورا؟؟. فصلنامه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

آزاد واحد سنندج، سال سوم

صلاحی مقدم، سهیلا (1386) تخیل. تهران، انتشارات سوسن

قدیمی قیداری، عباس (1388) تاریخ نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ نگار زن ایرانی. پژوهش های تاریخی، دانشکده ی ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه اصفهان، سال چهل و پنجم، شماره 1

منیورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ (1379) کرد، ترجمه و تصحیح حبیب الله تابانی، تهران، انتشارات گستره